

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛ شبکه های توجه گرافی (GAN)

مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



آموزش استفاده از وب آوساینس

کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

## مقایسه عوامل مؤثر در ورود زنان و مردان به دانشگاه

مصطفی ظهیری نیا<sup>۱</sup> و بهروز بهروزیان<sup>۲\*</sup>

### چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل و انگیزه‌های مؤثر در ورود دختران به دانشگاه (پس از اجرای سیاست بومی‌گزینی در دانشگاهها) نسبت به پسران، در بین دانشجویان دانشگاه آیت ... العظمی بروجردی می باشد. این پژوهش با روش پیمایشی به انجام رسیده است. حجم نمونه این پژوهش با بهره‌گیری از فرمول کوکران شامل ۲۵۰ نفر (۱۰۰ مرد و ۱۵۰ زن) برآورد گردیده که به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی انتخاب شده‌اند. داده‌های این پژوهش با استفاده از آزمون‌های مناسب و با بهره‌گیری از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان می‌دهند که انگیزه‌های اقتصادی - سیاسی (عاملی مهم برای پسران)، و پایگاه اقتصادی و اجتماعی، ازدواج و جاذبه محیط دانشگاه در بین دختران به نسبت پسران عوامل مهم‌تری برای ادامه‌ی تحصیل (ورود به دانشگاه) می باشد.

**واژه‌های کلیدی:** ورود دختران به دانشگاه، انگیزه، دانشجویان، بومی‌گزینی، دانشگاه آیت ... بروجردی.

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه هرمزگان zahirinia@hormozgan.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهشگری اجتماعی دانشگاه هرمزگان .

\*- نویسنده مسئول مقاله: behroozian68@gmail.com

### پیشگفتار

صاحب نظران دوران کنونی را عصر داده ها نام گذاری کرده اند و این امر گویای اهمیت به سزای دانش، داده ها و شبکه های داده ای و ارتباطی در عصر جدید است. در این شرایط نه تنها توسعه اجتماعی و اقتصادی و سیاسی جوامع به توانایی و ظرفیت علمی و اطلاعاتی آن بستگی دارد بلکه اساساً بقای آن‌ها در شبکه اطلاعاتی منوط به همین امر است. بنابراین، دانش در ظرفیت علمی افراد بیش از هر زمانی حیاتی تلقی می شود. چنین جوامعی با تغییرات اجتماعی گسترده رو به رو بوده و هستند که یکی از آن‌ها انقلاب آموزشی زنان و مشارکت گسترده آن‌ها در عرصه های گوناگون جامعه است (safari, 2006).

جامعه ایران در چند دهه گذشته تحولات اجتماعی- فرهنگی خطیری را سپری نموده است. یکی از مهم‌ترین تحولات، گسترش آموزش عالی در سطوح و مقاطع گوناگون است. که یکی از پیامدهای آن، افزایش ورود دختران به دانشگاه و کاهش نسبی ورود پسران به دانشگاه می باشد که در چند سال اخیر توجه صاحب نظران اجتماعی و مسؤولان کشوری را به خود جلب کرده است. از سال ۱۳۵۷، بعد از انقلاب اسلامی، تغییرات اساسی در نظام پذیرش دانشجو در کشور رخ داده است. هدف از این تغییرات و اصلاحات ایجاد شانس برابر برای همه ی داوطلبان، فارغ از عواملی از قبیل وضعیت فرهنگی، اقتصادی، جنسیت و گستره جغرافیایی برای ورود به دانشگاه و موسسات آموزش عالی بوده است (khodai, 2009). پس از دو سال از اجرای سیاست بومی گزینی در دانشگاه، در سال ۱۳۸۹ از مجموع یک میلیون و ۳۱۴ هزار و ۲۸۶ داوطلب به گونه تقریبی از ۵۱۸ هزار ۴۲۸ نفر دختران ۶۱/۲ درصد ورودی‌ها را تشکیل می دهند. در سال ۹۱ از مجموع یک میلیون ۱۳۲ هزار و ۸۸۷ داوطلب حدود ۶۰ درصد از ورودی‌ها دختران و حدود ۴۰ درصد پسران می باشند.

اهمیت و ضرورت پرداختن به این مقوله را دو ویژگی برجسته می کند؛ ویژگی نخست: این‌که زنان به عنوان عضوی از نیروی فعال جامعه هستند، لذا باید آن‌ها را به عنوان سرمایه های انسانی موثر در توسعه دانایی قلمداد نمود که کارکردهای اساسی و بنیادی دیگر مانند فرزند پروری، مدیریت خانواده و جامعه پذیری فرزندان را در نهاد خانواده برعهده دارند. ویژگی دوم: این‌که آثار و پیامدهای این مسئله به عنوان موضوعی میان رشته ای، نظر برنامه ریزان را در حیطه های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی را به خود جلب کرده است (fatehi, 2009).

با توجه به پیامدهای این مسئله اجتماعی، این پژوهش در پی بررسی عوامل و انگیزه های مؤثر در ورود دختران به دانشگاه در مقایسه با پسران می باشد. افرادی که در دهه های گذشته بیش تر در نقش همسری و مادری ظاهر می شدند به کنشگرانی فعال و موثر در فضای امروز ایران بدل

شده اند، این موضوع و سوال مهمی که مطرح می شود این است که دلایل و عوامل واقعی (انگیزه‌های موثر) سبقت گرفتن دختران از پسران در ورود به دانشگاه کدام اند؟ آیا ساختار و فرهنگ لازم برای این تغییر مهیا شده است؟

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های خارجی و داخلی در این زمینه کار شده است که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می شود.

اسمیت (smith, 1996) در پژوهش «فرصت برابر زنان در دانشگاه یورو پن» از تحرک اجتماعی، مشارکت اجتماعی زنان، و کسب مدارج علمی به عنوان سه عامل اساسی در ورود دانشجویان به دانشگاه یاد کرده است.

آدامز (adams, 1997) در پژوهش «مطالعه تعیین میزان تأثیر کالج بر انگیزه های نوجوانان» که اطلاعات از نوجوانان ویرجینیای غربی کسب شده، افزون بر انگیزه شغلی، از تعامل با محیط تحصیلی، خود آگاهی و اعتماد به نفس به عنوان سایر دلایل و انگیزه های ورود به دانشگاه یاد کرده است.

اندرسون (Anderson, 1998) در پژوهش «جنسیت و انتخاب در آموزش پرورش و شغل» درباره انتخاب دانشگاه از سوی جوانان از انگیزه های منزلت اجتماعی، فرصت شغلی و علاقه نام می برد. وی در پژوهش خود تأثیر دو متغیر جنسیت و عوامل محیطی جغرافیایی را بررسی کرده است.

یونسکو (unesco, 1998) در کنفرانسی با عنوان «تحصیلات زنان راهی به سوی توانایی»، دستاوردهای زنان را شامل این موارد می داند: گسترش خود باوری و اعتماد به نفس، کسب دانش بیش تر در مورد باروری، توانایی تصمیم گیری و چانه زنی، افزایش مهارت برای کسب درآمد آگاهی از حقوق مدنی و مشارکت مؤثر.

گزارش وزارت علوم ژاپن (ministry of science, 1999) در پژوهش «سیاست های دولت در آموزش، علم، ورزش و فرهنگ» حاکی از این است که بیشترین انگیزه ورود به دانشگاه در آن کشور «آموزش و پژوهش در رشته مورد علاقه» و «تخصص یابی در حرفه مورد نظر» است.

ماکسول و همکاران (maxwell& other, 2000) در پژوهشی به عنوان «مردم چگونه آموزش حرفه ای و برنامه آموزشی را انتخاب می کنند» در استرالیا انجام داده اند، دست یابی به بهترین شغل و درآمد بالاتر از مهم ترین از انگیزه های دانش آموزان برای ورود به دانشگاه گزارش شده است. دومین انگیزه مهمی که آن‌ها در مطالعه خود به آن اشاره کرده اند، یادگیری بیش تر در

زمینه های مورد مطالعه در دانشگاه است. «رهایی از خانه» و «عدم توانایی یافتن کار در صورت رفتن به دانشگاه» از مواردی بودند که بیش تر دانش آموزان آن را رد کردند؛ ضمن این که هشتاد درصد دانش آموزان دبیرستانی قصد رفتن به دانشگاه را داشتند و زنان نسبت به مردان تمایل بیش تری برای ادامه تحصیل ابراز کرده اند.

نولند (noland & n.deato, 2001) در پژوهش با عنوان «آموزش عالی در ایالت تنسی». وی انگیزه شغلی را بیشترین عامل ورود دانش آموزان آمریکا به دانشگاه بیان کرده است. کانتون (canton, 2001) در پژوهش «اصلاحات آموزش عالی» که در کشور هلند صورت گرفت بیانگر آن است که سرمایه گذاری بلند مدت به معنی یافتن شغل های بالاتر با درآمد بالا و اطمینان بیش تر، مهم ترین عامل برای ورود به دانشگاه است. در این پژوهش آمده است که در ده سال گذشته، متقاضیان ورود به دانشگاه ده برابر شده است.

سازمان ملی جوانان (national youth agency, 2001) در پژوهشی به عنوان «وضعیت و نگرش جوانان ایرانی» نشان می دهد که ۷۷ درصد جوانان برای کسب مدرک تحصیلی وارد دانشگاه می شوند، ۶۵ درصد ورود به دانشگاه را موجب به دست یابی به شغل و ۷۷ درصد باعث کسب موقعیت اجتماعی بالاتر می دانند و ۳۳ درصد فشار خانواده و اطرافیان را در این امر مؤثر دانسته اند.

نقوی (nagavi, 2002) در پژوهش خود «بررسی زمینه های گرایش زن به آموزش عالی در دهه هفتاد» این عوامل را نام برده که عبارت اند از: علاقه مندی زنان به مشارکت سیاسی، گسترش فناوری ارتباطی و اطلاعاتی، اشتغال، کسب موقعیت اجتماعی.

ودادهیر (vdadhyr, 2002) در پژوهش «تحلیلی بر پدیده ی مدرک گرایی در جامعه» افزایش قبولی دختران در کنکور را از تبعات یک جامعه مدرک گرا می داند و مطرح می کند راهیابی به دانشگاه برای زنان، ابزای برای کسب منزلت و شأن اجتماعی و نیز دست یابی به موقعیت های جدید گشته است. هم چنین، وی گسترش زنان در آموزش عالی را از تبعات توسعه جامعه و استحاله ارزش ها می داند.

دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی آموزشی (and Social- Cultural Planning Office studies, 2002) در پژوهش «بررسی و تحلیل افزایش سهم زنان در آموزش عالی» تقاضای گسترده زنان برای ورود به دانشگاه را نشانه رشد آگاهی و شناخت عمیق آنها از توانایی ها و ظرفیت های اجتماعی شان و عزم جدی آن ها برای بهبود منزلت اجتماعی و اقتصادی شان می دانند.

غلامی (gholami, 2004) در پژوهش «بررسی انگیزه های مؤثر در ورود دختران به دانشگاه» مهم ترین انگیزه دختران برای ورود به دانشگاه را انگیزه ی اقتصادی می دانند. در این نظر سنجی از

دانشجویان عامل گریز از فقر و کسب استقلال مالی در مقابل مرد (همسر) را انگیزه ورود به دانشگاه می داند.

محمدی و طارمی (mohamadi & taremi, 2005) در پژوهش خود «عوامل انگیزش داوطلبان برای ورود به دانشگاه» به ترتیب اولویت، منزلت اجتماعی محیط اجتماعی دانشگاه انگیزه شغلی و علاقه تحصیلی را از انگیزه‌های اصلی داوطلبان برای ورود به دانشگاه بیان کرده اند. براساس نتایج این پژوهش برای داوطلبان زن، منزلت اجتماعی، محیط اجتماعی دانشگاه و انگیزه شغلی بیش تر از مردان مطرح بوده است و انگیزه علاقه به تحصیل برای مردان مهم تر است.

سفیری (safiri, 2006) در پژوهشی با عنوان «زنان و تحصیلات دانشگاهی» دلایل روی آوردن زنان به تحصیلات دانشگاهی و پیامدهای آن می پردازد. وی بر این باور است که انتخاب دانشگاه با انگیزه اشتغال و کسب درآمد و سپس انگیزه های دیگر مانند منزلت اجتماعی و ازدواج مطرح می شوند. با ورود دختران به دانشگاه تمایل به جنس مخالف افزایش می یابد و میزان آزادی زنان برای انتخاب هسر افزایش می یابد در کل معتقد است ورود زنان به دانشگاه مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، یک پدیده دو لبه است که هم می تواند فرصت قلمداد شود و هم در برخی جنبه ها تهدید بشمار آید.

فاتحی و دیگران (fatehi & others, 2009) در پژوهش «افزایش نسبی ورود دختران به دانشگاه، چرایی و چگونگی آن» از افزایش آگاهی نسبت به حقوق خود، ارتقاء منزلت اجتماعی، جلب مشارکت اجتماعی آنان، افزایش سطح توقع زنان، جاذبه دانشگاه، مقوله مدرک گرایی و گستره دامنه ای انتخاب همسر را نام می برد.

ملکی (maleki, 2010) در پژوهش «عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی موثر در ورود دختران به دانشگاه» عوامل زیرا در ورود دختران به دانشگاه موثر می داند: جاذبه دانشگاه، کسب شغل، گسترش دامنه انتخاب همسر و کسب منزلت اجتماعی.

## مبانی نظری

### نظریه کنش متقابل نمادین<sup>۱</sup>

بر مبنای این نظریه، افراد مسیر کنش خود را از خلال یک پویای تعبیر با یک دیگر هماهنگ می کنند. این دیدگاه به فرآیند معنا سازی اهمیت زیادی می دهد. به اعتقاد بلومر افراد در هر یک از اعمال خود حرکات گوناگونی برای خود طراحی می کنند به آن می بخشند، در مورد سودمندی آن قضاوت می کنند و به این معنا در مورد رفتار خود تصمیم گیری می کنند. البته، این معنا سازی

<sup>۱</sup> - symbolic interaction theory

در یک زمینه اجتماعی شکل می گیرد. بنابراین کنش های افراد را باید بر حسب درکی که از موقعیت دارند و معانی که برای آن قائل اند تعیین نمود (tavasoli, 2008).

### نظریه کنش موجه<sup>۱</sup>

این نظریه از سوی فیش باین و آیزان ارائه شده است. در این نظریه فرض اصلی بر این باور است که افراد در مورد رفتار خود فکر می کنند و برای حصول پاره ای از نتایج و پرهیز از برخی دیگر دست به انتخاب منطقی می زنند؛ بنابراین قصد و نیت فرد در تبیین رفتار نقش اساسی دارد. در تعیین قصد و نیت شخص نیز عناصر فردی و اجتماعی دخیل است. عنصر شخصی به گرایش فرد مربوط است که به نوبه خود تحت تأثیر دو عامل قرار می گیرد: ۱- باور فرد نسبت به نتایج عمل خود ۲- ارزیابی او از نتایج حاصل از رفتار خود. عنصر اجتماعی به هنجار ذهنی مربوط است و منعکس کننده نفوذ و منشأ اجتماعی است (alavi tabar, 2000).

### رهیافت گزینش معقولانه<sup>۲</sup>

«فرض را بر این می گیرند که هدف ها و ترجیح های فردی معین و تثبیت شده اند و کنشگران در تعقیب این ها باید راه های انواع کنش، گزینش به عمل آورند. گزینش که آن ها از میان راههای گوناگون کنش به عمل می آورند، گزینش معقولانه است (تعیین کارآمد است)». این دیدگاه نقش ساختار را رد نمی کند اما عوامل، انگیزه و نیت های فردی را عامل مؤثر در انتخاب افراد می داند. این نظریه معتقد است که افراد به عنوان موجوداتی معقول و باهوش با توجه به شرایط و نیازهای خود دست به انتخاب می زنند (ritzer, 2008).

در این نظریه اعمال انسان ها مسبوق به دلیل و سنجش عاقلانه است. فرض بر این است که انسان ها در چند راهی، راهی را که با اغراض شان موافق است اختیار می کنند و برای رفتن به هر راهی، راهی را که با اغراض شان موافق است اختیار می کنند و برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می کنند و پس از بررسی ادله گوناگون راهی را بر می گزینند. این نظریه هدف عقلانی را بر مبنایی مفید بودن، مطلوب بودن و الویت داشتن تعریف می کند (little, 1995).

<sup>1</sup> - justified action theory

<sup>2</sup> - Reasonable choice

### نظریه‌های فمینیستی<sup>۱</sup>

فمینیست مکتبی است که فرو دست بودن زنان را قابل چون و چرا و مخالفت می داند و این مخالفت مستلزم بررسی انتقادی موقعیت کنونی و گذشته ی زنان و به چالش کشیدن دیدگاههای مرد سالارانه است که فرو دستی زنان را طبیعی، همگانی و اجتناب پذیر جلوه می دهد (Ritzer, 2008).

صاحب نظران این مکتب معتقد به نابرابری جنسی هستند: نخست آنکه زنان و مردان نه تنها موقعیت های متفاوتی در جامعه دارند بلکه در موقعیت های نابرابری نیز قرار گرفته اند. دوم آنکه این نابرابری از سازمان جامعه سر چشمه می گیرد و از هیچ گونه تفاوت مهم زیست شناختی یا شخصیتی میان زنان و مردان ناشی نمی شود. سوم این که هر چند افراد انسانی ممکن است از نظر استعداد ها و ویژگی هایشان با یکدیگر تا اندازه ی متفاوت باشند، اما هیچ گونه تفاوت طبیعی مهمی وجود ندارد که دو جنس را از هم متمایز سازد. و چهارم اینکه نظریه های نابرابری فرض را بر این می گیرند که هم مردان و هم زنان می توانند در برابر ساختارها و موقعیت های اجتماعی برابره تر واکنش آسان و طبیعی از خود نشان دهند. به عبارت دیگر، آن ها بر این باورند که دگرگون ساختن موقعیت زنان امکان پذیر است (همان). فمینیست ها بر این باورند زنان نسبت به مردان محرم تر هستند، آن ها معتقدند که آموزش یک وسیله برای بالا بردن پایگاه زنان در جامعه است.

### نظریه زمینه اجتماعی بورديو<sup>۲</sup>

زمینه در نظریه ی بورديو، شبکه ای از روابط اجتماعی که میان جایگاههای علمی درونی زمینه وجود دارد این روابط جدایی جدا از آگاهی و اراده فردی وجود دارد. به اعتقاد بورديو، زمینه، زمینه کشمکش هاست. زمینه نوعی بازار رقابتی است که در آن انواع سرمایه ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به کار می رود. موقعیت هر فرد یا گروه در فضای اجتماعی به وسیله دو مشخصه، یکی ترکیب و دیگری حجم، کل سرمایه فرد یا گروه در فضای اجتماعی آینده تابعی است از تغییراتی که در حجم و ترکیب سرمایه وی در طول زمان ایجاد می شود. زمینه ی دانشگاهی مانند هر زمینه دیگر، کانون کشمکش برای تعیین شرایط و معیارهای عضویت و سلسله مراتب مشروع است. یعنی این زمینه است که تعیین می کند که کدام خواص، مناسب موثر و قابل کاربرد برای سرمایه اند و سودهای خاص تضمین شده از سوی زمینه دانشگاهی را به بار می آورند (همان). از

<sup>1</sup>- feminism theorys

<sup>2</sup>-social field theory



نظر بورديو، میان جایگاههای اجتماعی و تمایلات دسترسی به این جایگاه همبستگی شدیدی وجود دارد. عملکردها و انتخابها به ویژه عملکردهای فرهنگی براساس نوع رابطه میان ساختمان ذهنی و زمینه های اجتماعی شکل می گیرد(همان).

### نظریه مقاومت<sup>۱</sup>

مفهوم مقاومت تا حدودی در نظریه های مربوط به آموزش پرورش، جدید می باشد. این نظریه سعی کرده است تا به ورای نظریه باز تولید حرکت کنند. کل نظریه مقاومت براین موضوع تأکید می کند که آموزش باید به جای رابطه مصلحت گرایانه، با دانش آموز رابطه انتقادی داشته باشد. به باور ژيرو ما نیازمند سواد انتقادی<sup>۱</sup> و قدرت فرهنگی هستیم. کارکرد سواد انتقادی این است که به عنوان یک ابزار نظری به دانش آموزان کمک خواهد کرد تا نوعی رابطه انتقادی با دانش و شناخت خود برقرار کنند. براساس این نظریه یکی از عناصر کلیدی آموزش و پرورش انتقال سواد انتقادی به افراد جامعه است. از این جهت، نظریه مقاومت کوششی برای تعیین اثرات نظام آموزشی بر فرد و جامعه است. معتقدند که نظام آموزشی باید زمینه را برای حضور فعال افراد در مشارکت محافل و انجمن های سیاسی و افزایش دید انتقادی آنها فراهم آورد. (shareh pour, 2010).

### نظریه اهداف و وسایل مرتون<sup>۲</sup>

برخی بر این باورند که مرتون علاقه مند به بررسی رفتار انفرادی است و تا حدودی نیز چنین است، اما هدف کلی او لقاء یک نوع شناسی از شیوه رفتار است. مرتون ساخت اجتماعی را «انتظام اجتماعی» و وسایل پذیرفتنی را برای دست یافتن به اهداف تعبیر می کند. به نظر مرتون این است که مقررات اجتماعی مربوط به وسایلی که موجب کسب موفقیت اشخاصی می شوند، او بر این باور است که رعایت این قوانین و مقررات موجب کسب موفقیت اجتماعی می شود و انسان را به هدف مورد نظرش نزدیک سازد (tavasoli, 2008).

<sup>1</sup>- resistance theory

<sup>2</sup>- Means and ends theory

### نظریه انگیزه پیشرفت<sup>۱</sup>

اتکینسون صاحب نظر انگیزه پیشرفت، از لحاظ روانی - اجتماعی درباره ی انگیزه و موفقیت تحصیلی بحث می‌کند. او به بررسی نقش محرک‌ها و آرزوها در پیشرفت افراد می‌پردازد و بر این باور است که سه عامل در پیشرفت مؤثر است:

الف) انتظار، انتظار شناختی یا احتمال ذهنی از اینکه اجرای یک عمل خاص با نتایج خاص همراه است،

ب) مشوق، جذابیت نسبی یک واقعه.

ج) انگیزش، تمایل عمومی و ثابت برای تلاش جهت نیل به موفقیت.

او بر این باور است که هر چقدر تمایل به پیشرفت نسبت به ترس از شکست بیش‌تر باشد، امکان پیشرفت و موفقیت وجود دارد (shareh pour, 2010).

### جمع بندی

با توجه به موضوع که گسترده است سعی شد با دید تلفیقی به موضوع نگاه شود. نظریه معقولانه و کنش موجه با تأکید بر افراد به عنوان کنشگران معقول در انتخاب اهداف سود و زیان آن اهداف و کنش متقابل نمادین نیز با اهمیت شمردن معنا سازی هنجارها و انتظارات دیگران دست به انتخاب می‌زنند. نظریه زمینه اجتماعی معتقد است، زمینه به عنوان مکانی رقابتی است که افراد برای به دست آوردن جایگاه برتر باهم رقابت می‌کنند. نظریه اهداف و وسایل مرتون می‌تواند، از دانشگاه به عنوان وسیله ای نام برد که با کمک آن می‌توان به اهداف مرد نظر دست یافت. نظریه فمینیست (لیبرال) معتقد است که آموزش باعث می‌شود که افراد بی بضاعت و فرودست به طبقات بالاتر روند. نظریه مقاومت معتقد است آموزش باید مروج علم و یادگیری باشد و این علم (انتقادی) باید زمینه حضور افراد را در مشارکت های سیاسی فراهم آورد. نظریه پیشرفت نقش داشتن جذابیت عمومی یک واقعه و تمایل عمومی افراد برای رسیدن به هدف، برای متغیرهای چون تمایل به ازدواج و جاذبه دانشگاه استفاده شد.

با توجه به نظریه‌های مطرح شده اگر راه یابی فرد رابه دانشگاه به عنوان یک کنش اجتماعی در نظر بگیریم، می‌توان تمایل افراد به این کنش را با توجه به این نظریات به گونه ذیل می‌باشد:

<sup>1</sup>- Achievement motivation theory



جدول ۱- رابطه بین متغیر و نظریه منتخب

متغیر	نظریه های پژوهش
انگیزه اقتصادی	گزینش معقولانه، کنش وجه، اهداف و وسایل، کنش متقابل نمادین
انگیزه سیاسی	گزینش معقولانه، اهداف و وسایل
کسب پایگاه اجتماعی برتر	فمینیسم، زمینه اجتماعی
تمایل به ازدواج	گزینش معقولانه، انگیزه روانی پیشرفت
جاذبه دانشگاه	انگیزه پیشرفت
کسب علم و دانش	گزینش معقولانه و موجه، اهداف و وسایل

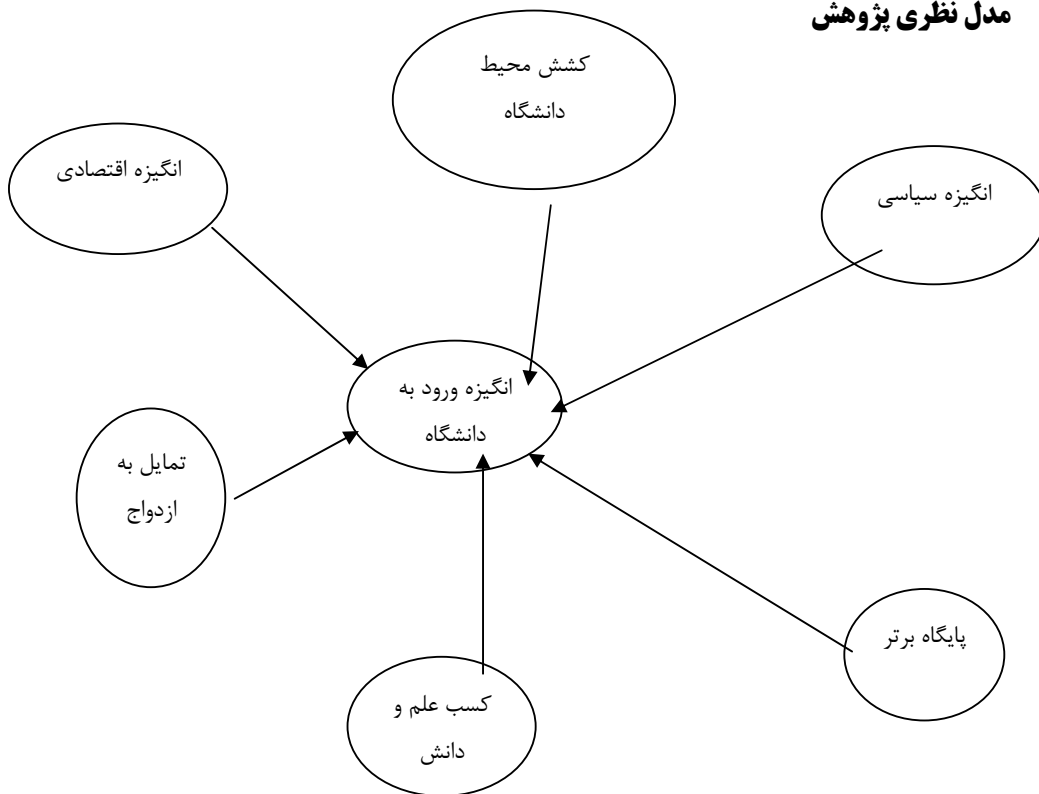
### فرضیه های پژوهش<sup>1</sup>

- (۱) - انگیزه اقتصادی در بین دختران نسبت به پسران عاملی مهم تر برای ادامه تحصیل می باشد.
- (۲) - انگیزه سیاسی در بین دختران نسبت به پسران عاملی مهم تر برای ادامه تحصیل می باشد.
- (۳) - کسب پایگاه اجتماعی برتر در بین دختران نسبت به پسران عاملی مهم تر برای ادامه تحصیل می باشد.
- (۴) - تمایل به ازدواج در بین دختران نسبت به پسران عاملی مهم تر برای ادامه تحصیل می باشد.
- (۵) - جاذبه محیط دانشگاه در بین دختران نسبت به پسران عاملی مهم تر برای ادامه تحصیل می باشد.

<sup>1</sup>.Research hypothesis

۶- کسب علم و دانش در بین دختران نسبت به پسران عاملی مهم‌تر برای ادامه تحصیل می‌باشد.

### مدل نظری پژوهش



### روش شناسی پژوهش

با توجه به نوع متغیر وابسته، که اتفاق افتاده است می‌توان گفت که این پژوهش یک پژوهش گذشته نگر است که در آن پژوهشگر با توجه به متغیر وابسته به بررسی علل احتمالی وقوع آن می‌پردازد. به بیان دیگر، پژوهشگر سعی بر آن دارد که از معلول به علت احتمالی این پژوهش که از نوع علی - مقایسه ای است، بپردازد. برای جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه خود ساخته استفاده شد.

**ساخت پرسشنامه:** پرسشنامه ابتدا با انتخاب حدود با ۴۰ گویه تهیه گردید، سپس با نظر اساتید جامعه شناسی و دانشجویان ارشد پژوهشگری به ۳۰ گویه کاهش داده شد، برای اطمینان بیشتر پرسشنامه در بین ۳۰ دانشجو آزمایش گردید و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در نرم افزار spss گویه های که پایایی آن از ۰/۵۵، کم تر بود حذف شدند. در نهایت، پرسشنامه با ۲۴ گویه که پایایی آن حدود ۰/۶۱، می باشد در بین دانشجویان پخش گردید.

**جمعیت آماری** کل دانشجویان در دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی می باشد. که بر اساس آمار گزارش شده به وسیله آموزش دانشگاه آیت الله بروجردی در سال ۹۱؛ ۲۸۵۸ دانشجو در حال تحصیل می باشند. از این مجموع ۳۴/۴ درصد برابر با (۹۸۲ نفر) مرد و ۶۵/۶ درصد برابر با (۱۸۷۶ نفر) زن می باشند. حجم نمونه از روش نمونه گیری طبقه بندی شده انتخاب شدند. دانشجویان در سه گروه علوم انسانی، فنی و علوم پایه تقسیم شده اند. روش نمونه گیری طبقه بندی<sup>۱</sup> به دو صورت نسبی و غیر نسبی است که در این پژوهش با توجه به حجم گروهها از روش غیر نسبی استفاده شد و برای حضور افراد از هر دو جنس در حجم نمونه، افراد به گونه تصادفی انتخاب شده اند. حجم نمونه در این پژوهش از روش کوکران استفاده شد برابر با ۲۵۰ نفر می باشد که ۱۰۰ نفر برابر با (۴۰ درصد) و ۱۵۰ نفر برابر با (۶۰ درصد) زن می باشد.

متغیر وابسته<sup>۲</sup> پژوهش افزایش ورود دختران به دانشگاه است بمنظور افزایش اعتبار پژوهش به صورت مقایسه ای بین هردو جنس اجرا شد. متغیر وابسته پژوهش یک متغیر بین الادهانی است که با توجه به نگرش افراد به هرمتغیر مستقل انگیزه ی آنان برای ورود به دانشگاه مشخص می گردد.

در این پژوهش شش متغیر مستقل<sup>۳</sup> وجود دارد که از مفاهیم انتزاعی به مفاهیم عینی تبدیل شده اند. بدین منظور، برای ساخت و سنجش هریک از متغیرهای مستقل، مجموعه ای از گویه ها در نظر گرفته شده است. براساس ضوابط طیف لیکرت حداقل و حداکثر نمره (در مقایسه پنج درجه از خیلی زیاد تا خیلی کم) برای هریک از متغیرها مشخص گردیده است.

<sup>۱</sup>- stratified sampling

<sup>۲</sup>- depended variable

<sup>۳</sup>- independedvariable

### انگیزه اقتصادی

دست یابی به شغل، کسب استقلال مالی، کسب مهارت، بینش و نگاه اقتصادی.

### انگیزه سیاسی

مشارکت بیشتر در امور سیاسی، صاحب نظر شدن در امور سیاسی، کسب مشاغل حیاتی و حساس.

### کسب پایگاه اجتماعی<sup>۱</sup> برتر

کسب مدارج علمی بالاتر (مدرک گرایی)، کسب محبوبیت بیشتر، دست یابی به منزلت بالاتر، کسب اعتبار و موقعیت اجتماعی بهتر.

### تمایل به ازدواج

علاقه به ازدواج دانشجویی، وجود آزادی بیشتر برای انتخاب همسر، وجود گزینه های بیشتر برای انتخاب همسر، بالا رفتن آگاهی برای انتخاب همسر.

### جاذبه محیط دانشگاه

کاهش نظارت خانواده، دور بودن از شهر محل زندگی، کسب تجارب جدید زندگی، افزایش ارتباطات و تعاملات اجتماعی، بالا رفتن سطح اعتماد به نفس

### کسب علم و دانش

رفع بی سوادی، بالا بردن اطلاعات و معلومات، کسب تخصص و مهارت علمی مورد علاقه. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار، SPSS ۱۸ ثبت شد، سپس در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در بخش استنباطی به بررسی شش فرضیه پژوهش از راه آزمون t (مستقل) پرداخته شده است.

<sup>۱</sup> -social status

## یافته های پژوهش

## توصیف داده ها

در این بخش به بررسی سن افراد پرداخته شد که کمترین سن ۱۸ سال و بیشترین سن بیش تر از (۲۵) سال می باشد. میانگین سن دانشجویان برابر با ۲۱/۴ سال می باشد.

جدول ۲- میزان دانشجویان براساس استان محل زندگی شان

منطقه	استان	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بومی	لرستان	۱۲۴	۴۹,۶	۴۹,۶
	ایلام	۶۸	۲۷,۲	۷۶,۸
	خوزستان	۳۰	۱۲	۸۸,۸
غیربومی	سایر	۲۸	۱۱,۲	۱۰۰
جمع		۲۵۰	۱۰۰	-

همچنین، به بررسی محل زندگی دانشجویان قبل از ورود به دانشگاه پرداخته شد که در این بخش ۳ استان لرستان، ایلام و خوزستان که استانهای بومی شناخته شده اند و گزینه سایر برای آنانی است که متعلق به این سه استان نمی باشند. از مجموع ۲۵۰ نفر ۴۹,۶ درصد (برابر با ۱۲۴ نفر) در استان لرستان، ۲۷/۲ درصد (برابر با ۶۸ نفر) در استان ایلام، ۱۲ درصد (برابر با ۳۰ نفر) در استان خوزستان و ۱۱/۲ درصد (برابر با ۲۸ نفر) در سایر استانها زندگی می کردند با توجه به ارقام موجود ۸۸/۸ درصد از دانشجویان متعلق به ۳ استان منطقه (بومی) می باشند.

## آمار استنباطی

فرضیه نخست: انگیزه ی اقتصادی در بین دختران نسبت به پسران عامل مهم‌تری برای ادامه تحصیل می باشد.

جدول ۳- نتایج آزمون t گروه های مستقل برای مقایسه انگیزه اقتصادی در بین دانشجویان

## دختر و پسر

گروهها n	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	درجه آزادی سطح معناداری	میانگین
		t		
پسران ۱۰۰	۱۱/۶۲	۲/۳۴۷		
		۱/۵۱	۲۴۸	۰,۰۰۰
دختران ۱۵۰	۱۰/۱۱	۴/۴۵		
				۳/۰۱۵

باتوجه به نتایج بدست آمده از جدول بالا تفاوت معناداری ( $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ) بین انگیزه اقتصادی پسران و دختران وجود دارد. میانگین انگیزه ای اقتصادی پسران نسبت به دختران بیش تر است. بنابراین، فرضیه یک تایید نشد.

فرضیه دوم: انگیزه سیاسی در بین دختران نسبت به پسران عامل مهم‌تری برای ادامه تحصیل می باشد.

جدول ۴- نتایج آزمون t گروههای مستقل برای مقایسه انگیزه سیاسی در بین دانشجویان دختر

## و پسر

گروهها n	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	درجه آزادی سطح معناداری	میانگین
		t		
پسران ۱۰۰	۱۱/۲۹	۳/۱۲۱		
		۰/۸۳	۲۴۸	۰,۰۳۴
دختران ۱۵۰	۱۰/۴۵	۲/۱۴		
				۲/۸۹۳

باتوجه به نتایج بدست آمده از جدول بالا تفاوت معناداری ( $\text{sig} = ۰/۰۳۴$ ) بین انگیزه سیاسی پسران و دختران وجود دارد. میانگین انگیزه ای سیاسی پسران (۱۱/۲۹) نسبت به دختران (۱۰/۴۵) بیش تر است. بنابراین، فرضیه دو تأیید گردید.



فرضیه سوم: کسب پایگاه برتر در بین دختران نسبت به پسران عامل مهمتری برای ادامه تحصیل می باشد.

جدول ۵- نتایج آزمون t گروه های مستقل برای مقایسه کسب پایگاه برتر در بین دانشجویان دختر و پسر

گروهها n	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین
		t			
پسران ۱۰۰	۹/۲۴	۲/۳۴۷	۲۴۸	۰/۰۴۴	
دختران ۱۵۰	۱۰/۰۱	۳/۰۱۵			
		-۰/۷۶			
		-۲/۰۲			

باتوجه به نتایج بدست آمده از جدول بالا تفاوت معناداری ( $\text{sig} = ۰/۰۴۴$ ) بین انگیزه کسب پایگاه برتر پسران و دختران وجود دارد. میانگین کسب پایگاه برتر پسران (۹/۲۴) نسبت به دختران (۱۰/۰۱) کمتر است. بنابراین، فرض سوم تأیید گردید.

فرضیه چهارم: تمایل به ازدواج در بین دختران نسبت به پسران عامل مهمتری برای ادامه تحصیل می باشد.

جدول ۶- نتایج آزمون t گروه های مستقل برای مقایسه تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دختر و پسر

گروهها n	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین
		t			
پسران ۱۰۰	۱۰/۷۱	۴/۱۳۵	۲۴۸	۰/۰۰۰	
دختران ۱۵۰	۱۴/۵۳	۴/۲۷۶			
		-۳/۸۲			
		-۴/۲۳			

باتوجه به نتایج بدست آمده از جدول بالا تفاوت معناداری ( $\text{sig} = ۰/۰۰۰$ ) بین تمایل به ازدواج پسران و دختران وجود دارد. میانگین تمایل به ازدواج پسران (۱۰/۷۱) نسبت به دختران (۱۴/۵۳) کمتر است. بنابراین، فرض  $H_0$  رد و فرضیه چهارم تأیید گردید.

فرضیه پنجم: جاذبه و کشش محیط دانشگاه در بین دختران نسبت به پسران عامل مهم‌تری برای ادامه تحصیل می باشد.

جدول ۷- نتایج آزمون t گروه های مستقل برای مقایسه جاذبه محیط دانشگاه در بین دانشجویان دختر و پسر

گروه ها n	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	درجه آزادی سطح معناداری	میانگین t
پسران ۱۰۰	۱۷/۳۷	۴/۳۳۱	۲۴۸	۰/۰۱۴
دختران ۱۵۰	۱۸/۸	۴/۹۳۴		
		-۱/۴۳		
		-۲/۳۵		

باتوجه به نتایج بدست آمده از جدول بالا تفاوت معناداری ( $\text{sig} = ۰/۰۱۴$ ) جاذبه و کشش محیط دانشگاه در بین دانشجویان پسر و دختر وجود دارد. میانگین جاذبه و کشش محیط پسران ( $۹/۲۴$ ) نسبت به دختران ( $۱۰/۰۱$ ) کمتر است. بنابراین فرضیه پنجم تأیید گردید.

فرضیه ششم: کسب علم و دانش در بین دختران نسبت به پسران عامل مهم‌تری برای ادامه تحصیل می باشد.

جدول ۸- نتایج آزمون t گروههای مستقل برای مقایسه کسب علم و دانش در بین دانشجویان دختر و پسر

گروهها n	انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	درجه آزادی سطح معناداری	میانگین t
پسران ۱۰۰	۹/۷۳	۳/۰۸۱	۲۴۸	۰/۶۵
دختران ۱۵۰	۱۰/۴۵	۳/۰۳۶		
		-۱/۷۳		
		-۴/۲۳		

باتوجه به نتایج به دست آمده از جدول بالا تفاوت معناداری ( $\text{sig} = ۰/۶۵$ ) بین انگیزه کسب پایگاه برتر پسران و دختران وجود ندارد. بنابراین، فرضیه ششم تأیید نگردید.

### بحث و نتیجه گیری

افزایش قبولی دختران در دانشگاه یکی از مسائل بسیار مهمی است که اخیر باعث جلب توجه و دغدغه خاطر مسئولان گوناگون نظام شده است. به همین خاطر بررسی انگیزه دختران از ورود به

دانشگاه موضوع پژوهش قرار گرفت. هدف نهایی پژوهش، چه انگیزه‌ها ی در ورود دختران به دانشگاه مؤثرند:

**فرضیه نخست:** در قرن بیستم، دانشگاه‌ها به تدریج از نظام‌های نخبه پرور به اماکنی همگانی تغییر ماهیت داده‌اند و به عمده‌ترین مراکز تأمین و تخصص و مهارت برای بازار کار در آمده‌اند. این تحول اساسی موجب برجسته شدن بعد اقتصادی دانشگاه‌ها هم بای دولت و هم بای مردم شده است (mohamadi & taremi) انگیزه ی اقتصادی بدون شک در جامعه کنونی برای هرکس اهمیت فراوانی دارد. با توجه میانگین بدست آمده انگیزه اقتصادی برای پسران مهمتری برای ادامه تحصیل می باشد. نتایج به دست آمده از این پژوهش همسو با نتایج سازمان ملی جوانان (national youth agency, 2001)، آدامز (adams, 1997)، نولند (noland, 1997)، کانتون (canton, 2001) که عوامل و انگیزه های اقتصادی را در ورود جوانان به دانشگاه مؤثر می داند. می باشد.

**فرضیه دوم:** یکی از مسائل اساسی در جامعه افزایش میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی است. تمایل به حضور در محافل، انجمن‌ها و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی و فعال بودن و مسئولیت پذیری در آن‌ها، می‌تواند حضور هر چه فعال تر زنان را موجب می‌شود. تغییر اساسی در نوع نگرش و آگاهی دختران به وجود آمده که می‌توانند در سیاست و نقش‌های حیاتی و کلان جامعه مشارکت داشته باشند. این تغییر نگرش به وسیله ی تحصیل در دانشگاه رخ دهد، اما باتوجه به نتایج بدست آمده انگیزه های سیاسی برای پسران عامل مهمتری برای ادامه تحصیل می باشد. نتیجه به دست آمده با پژوهش سفیری (safari, 2006)، نقوی (naqavi, 2002) که برای دختران انگیزه سیاسی عاملی در ورود به دانشگاه نمی باشد همسو است.

با توجه به ساختار و فرهنگ جامعه در غرب کشور هنوز زمینه و باور مورد نیاز برای شرکت دختران در فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی شکل نگرفته است.

**فرضیه سوم:** کسب پایگاه برتر برای دختران عامل مهمتری برای ادامه تحصیل می‌باشد. از آن‌جای که یکی از مهم‌ترین کارکردهای دانشگاه تغییر جایگاه و موقعیت اجتماعی افراد می‌باشد، در تمامی اقوام و گروه‌های اجتماعی، برای کسانی که مدارج عالی را طی نموده‌اند احترام قائل‌اند و افراد تحصیل کرده دارای شأن و منزلت بالای در نزد عامه مردم می‌باشند. این کارکرد دانشگاه سبب افزایش ورود دختران به دانشگاه گردیده است. شاید مهم‌ترین پیامد این کارکرد بالا رفتن انتظارات و توقعات بیش از حد تحصیل کرده‌ها از افراد جامعه می باشد نتایج بدست آمده با پژوهش‌های ملکی (maleki, 2010)، فاتحی و همکاران (fatehi & 2009)، محمدی و طارمی (mohamadi & taremi, 2005)، (vdadhyer, 2001)، نقوی (naqavi, 2002) همسو است. در

پژوهش‌های خارجی اندرسون (Anderson, 1998) و اسمیت (smith, 1996) انگیزه منزلت اجتماعی عامل مؤثری در ورود جوانان به دانشگاه است، همسو می‌باشد.

**فرضیه چهارم:** با توجه به نتایج پژوهش مهم‌ترین انگیزه‌ی دختران برای ورود به دانشگاه انگیزه‌ی ازدواج است. ازدواج یک امر مقدس در جامعه‌ی ما (هم شیعه و هم سنی) می‌باشد. در جامعه ایرانی تشکیل نهاد خانواده دارای اهمیت بسیار زیادی است. نحوه انتخاب همسر با میزان تحصیلات دختران رابطه وجود داد. بدین معنی که شیوه انتخاب با افزایش سطح تحصیلات از شیوه «دخاله والدین و اطرافیان» به انتخاب آزاد یا (مستقل) تبدیل می‌شود. نتایج بدست آمده با پژوهش ملکی (maleki, 2010)، فاتحی و همکاران (fatehi & 2009) و (safari, 2006) همسو است.

**فرضیه پنجم:** محیط دانشگاه به خاطر ویژگی و جاذبه‌های خاص اش زمینه حضور دختران را فراهم آورده است. دختران پیش از ورود به دانشگاه تحت کنترل والدین و دیگر اعضای خانواده می‌باشند و آن‌ها برای آنکه آزادی خاصی را به دست آورند و کم‌تر تحت نظارت باشند. محیط دانشگاه با فراهم آوردن شرایطی چون کاهش نظارت خانواده، افزایش ارتباطات و تعاملات اجتماعی، افزایش اعتماد به نفس و... انگیزه‌ی مؤثر در ورود دختران به دانشگاه است. جاذبه و کشش دانشگاه برای دختران عامل مهمتری برای ورود به دانشگاه است. نتایج به دست آمده با پژوهش‌های ملکی (maleki, 2010)، فاتحی و همکاران (fatehi & 2009)، محمدی و طارمی (mohamadi & taremi, 2005) در پژوهش‌های خارجی اندرسون (Anderson, 1998)، آدامز (adams, 1997) همسو است.

**فرضیه ششم:** بین دختران و پسران در کسب علم و دانش هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد. با توجه به اهمیت مدرک گرایی در جامعه و بهاء ندادن به تخصص و مهارت، کسب علم و دانش در جامعه از اهمیت خاصی برخوردار نیست. مهم‌ترین پیامد این مقوله: افزایش مدرک گرایی و کاهش تخصص و کارایی در جامعه باشد. یک فاجعه بزرگ در نظام آموزشی، به جای توجه به کسب علم و دانش کم‌ترین توجه به آن می‌شود، به همین دلیل کم‌تر کسی به خاطر کسب علم و دانش پا به دانشگاه می‌گذارد. نتایج به دست آمده از این فرضیه به دلیل مقایسه‌ی ای بودن پژوهش و شرایط خاص جامعه ایران با هیچ یک از پژوهش‌های پیشین همسو نمی‌باشد.

در نهایت، می‌توان گفت با وجود پیامدهای مختلف برای ورود به دانشگاه: بالا رفتن آگاهی، افزایش بی‌رویه و بیش از حد حصر آزادی، بالا رفتن سطح توقعات، افزایش تحصیل کرده‌های بدون مهارت و دانش، افزایش سن ازدواج و... انگیزه‌ی ورود دختران به دانشگاه تابعی از انگیزه و نیت‌های فردی و ساختار جامعه می‌باشد.

دختران به عنوان کنشگرانی معقول برای رسیدن به اهداف و خواسته‌های خود دست به انتخاب می‌زنند که با توجه به شرایط مختلف جامعه هدف خود را تعیین می‌کند.

ساختار جامعه در به وجود آمدن چنین شرایطی نقش بسیار مهمی دارد. با توجه به قوانین و رسوم ایرانی که نان آور خانواده مرد است و شرایط اقتصادی بر دوش آن ها(به ویژه در غرب کشور) است. و با توجه به کمبود شغل سازمانی(دولتی) مردها برای به دست آوردن شغل به کار آزاد و تجارت روی می آورند. در نهایت، ساختار جامعه زمینه را برای ورود دختران به دانشگاه فراهم می کند.

### **References**

- 1- Adams, John E. (1997). A Study To Determine The Impact of a Percal- Lege Internvention on Early Adolescent Asparition& Motivation for College West Virginia. Black Sburg, virginia.
- 2- Alavi Tabar, A.R. (2000).reserch the Patterns of citizen participation in urban governance, Tehran: Municipalities of the country (persion).
- 3- Anderson, P. (1998): Choice, Can we Choose It?, in j. Radford(ed), Gender and Choice In Education And Occupation; Routledge, Landan.
- 4- Canton, E. & Venniker, R. (2001); Higher Education Reform : Getting The Incentives Right; CHEPS, Netherland.
- 5- Fatehi, A. Gh., And Others" (2009): "Why Increase theRelative pictures of Girls", Sociology and Social Sciences, summer, No. 44, 173-204 (persion).
- 6- Gholami, U. (2004). Review of Motivation in Entering College girls. Journal of Education, winter, No. 23 (persion).
- 7- Institute for Research and Planning in Higher Education. (2011), Statistics of Education Report, various years (persion).
- 8- Japanese Government Polices in Education, Science, Sport and Culture (1999); www.Mext.go.jp/eky
- 9- Khodai, A. (2009): "Factors in the Acceptance Test Masters", Journal of Research and Planning in Higher Education, fifteen year, No. 54, 19-34 (persion).
- 10- Little, D. (1995). Explanation in the social sciences, translated abdolkarim Soroush, Tehran: Serat (persion).
- 11- Maleki Doabi, F. (2010). Cultural and socioeconomic factors influencing entrance to college girls. Bachelor thesis, University of martyr Chamran (persion).
- 12- Maxwell, G. & Colleeue. (2000). How People Choose Vocational Educatianal And Training Program;NCVER publ, Australia.
- 13- Naqvi, F. (2002). Increase of Female Students in the university and its social and cultural implications, reliability MS Thesis, University of Isfahan (persion).

- 14- Noland & deato, N. (2001). Tennessee higher education.commis-sion higher school.student opinin.
- 15- Office Planning and Social and Cultural Studies (2002). Analysis of Increasing the Proportion of Women in Higher Education, Tehran: Office Planning and Social and Cultural Studies, Ministry of Science, Research and Tecnology (persion).
- 16- Ritzer, G. (2008). Contemporary Sociology Theory. (Mohsen salasi). Tehran: Scientific Publications (persion).
- 17- Roozbehani Mohammadi, Kianoosh, taremi, Abolfazl. (2005). Candidates for admission to the University of motivational factors. Journal of Research Planning in Higher Education, No. 37 and 38 (persion).
- 18- Safiri, Kh. (2006). Women and Education. Journal of The College of Literature, Science And The Humanities, No. 56, 57 (persion).
- 19- Shareh Pour, M. (2010). Sociology of Education. Tehran: samt. (persion).
- 20- Smith, A. (1996). Symposium Equal Opportunities Women of euro-pan, University. University of Berlin November.
- 21- Tavassoli, Gh. A. (2008). Theories of Sociology. Tehran:samt, The, Fifteenth edition (persion).
- 22- The World Conference On Higher Education In The Twenty-first century: Vision and Action, Was Held in Unesco Headquarters in Paris, From 5-9 October 1998.
- 23- The National Youth Agency (2001). Position and Attitude of the Youth of Iran,Tehran (persion).
- 24- Vdadyr, A.A. (2001), AnAnalysis ofThePhenomenon of Convergence of Degree in Social, Letter Iranian Sociological Association: Social Issues Special Conference of Iran, third year, 179-192 (persion).

# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در  
خبرنامه



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی